

Assessing US Objections to the Interim Order in the Alleged Violations of the Treaty of Amity

(Type of Paper: Research Article)

Mohsen Mohebi¹, Vahid Bazzar²

Abstract

The International Court of Justice, on October 11, 2018, responded unanimously to Iran's request for an interim order in the alleged violations of the treaty of amity case and required the United States to take the necessary measures on free exportation to Iran about humanitarian needs, including medicines and medical devices, foodstuffs and agricultural commodities, spare parts, equipment and associated services necessary for the safety of civil aviation, and do not create no restrictions on the payments and other transfers of funds related to these measures. In the course of the proceedings of the Court, the United States, in addition to proposing multiple objections to the conditions of issuing the interim order (prima facie jurisdiction, the plausibility of the claimed rights and its relation to the interim order, the urgency and irreparable prejudice), argued that the requested interim order will violate the USA's sovereignty. The Court, in its conclusions, which often was as a result of the acceptance of the arguments of the Iranian legal team, affirmed the necessary conditions for the issuance of an interim order. According to The Court, the criterion of irreparable prejudices is not merely financial damage, but damage to human lives.

Keywords

United States of America, Islamic Republic of Iran, International Court of Justice, Interim Order, Treaty of Amity, Humanitarian Needs.

1. Assistant Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: sd.mohebi@gmail.com

2. Ph.D. in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. Email: vahidbazzar@gmail.com

Received: November 5, 2018 - Accepted: May 26, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

ارزیابی ایرادهای آمریکا در مورد دستور موقت در قضیه

نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محسن محبی^{۱*}، وحید بذار^۲

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری در یازدهم مهر ۱۳۹۷ (۳ اکتبر ۲۰۱۸) به درخواست ایران برای صدور دستور موقت در قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت به اتفاق آرا پاسخ مثبت داد و آمریکا را ملزم کرد تا تمهیدات لازم را در مورد صادرات آزاد به ایران در خصوص نیازهای انسان دوستانه از جمله دارو و لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی و قطعات یدکی و تجهیزات ضروری و خدمات برای ایمنی هواپیمایی کشوری اتخاذ کند و هیچ‌گونه محدودیتی در مسیر پرداخت‌ها و انتقال وجوه مربوط به این اقدام‌ها ایجاد نکند. در جریان رسیدگی دیوان به درخواست ایران، آمریکا علاوه بر طرح ایرادهای متعدد در زمینه شروط صدور دستور موقت (صلاحیت علی‌الظاهر، باورپذیری حقوق موردادعا و ارتباط آن با دستور موقت درخواست‌شده، شرط فوریت و جبران‌ناپذیر بودن خسارت)، استدلال می‌کرد که دستور موقت درخواست‌شده به نقض حقوق حاکمیتی این دولت منجر خواهد شد. دیوان در نتیجه‌گیری‌های خود که اغلب در نتیجه پذیرش استدلال‌های تیم حقوقی ایران بوده، شروط لازم برای صدور دستور موقت را احراز کرد. به نظر دیوان، معیار خسارت‌های جبران‌ناپذیر صرفاً خسارت مالی نیست، بلکه صدمه و خسارت به جان انسان‌هاست.

کلیدواژگان

ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، دیوان بین‌المللی دادگستری، دستور موقت، عهدنامه مودت، نیازهای انسان دوستانه.

۱. استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).
Email: sd.mohebi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.
Email: vahidbazzar@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵

مقدمه

دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ تیر ۱۳۹۷ (۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸) با این ادعا که برگرداندن تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا^۱ که در پی خروج این دولت از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) انجام گرفت، عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و کنسولی میان دو کشور (۱۹۵۵) را نقض کرد، دادخواستی علیه این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند همزمان از دیوان درخواست کرد تا دستور موقتی را با مضمون توقف و تعلیق فوری تحریم‌ها از جمله تحریم‌های فراسرزمینی و منع آمریکا از پیش‌بینی تحریم‌های بیشتر صادر کند. همچنین، ایران می‌خواهد آمریکا فوراً اجرای کامل مبادلات از قبل اجازه داده شده به خصوص در مورد فروش هواپیمای مسافربری و قطعات یدکی آن را تجویز کند و تا سه ماه پس از انجام آنها، اقداماتی را که در راستای اجرای این امور انجام داده است، به دیوان گزارش دهد. به علاوه، ایران می‌خواهد تا آمریکا اطمینان دهد که به کلیه اظهارات و اعمالی که اتباع آمریکایی یا غیرآمریکایی را از انجام یا ادامه فعالیت اقتصادی با ایران، شرکت‌ها و اتباع ایرانی ناامید می‌کند، پایان می‌دهد. مدیر دفتر دیوان، پنجم تا هشتم شهریور ۱۳۹۷ (۲۷ تا ۳۰ آگوست ۲۰۱۸) را به منظور رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت تعیین کرد.^۲ دیوان که در چهار روز کاری استدلال‌ها و دفاعیات طرف‌های اختلاف^۳ را استماع کرد، در ۱۱ مهر (۳ اکتبر ۲۰۱۸) به اغلب اقدام‌های درخواستی از سوی دولت خواهان (ایران) - به اتفاق آرا - پاسخ

۱. رئیس‌جمهور آمریکا (آقای دونالد ترامپ) در ۸ مه ۲۰۱۸ همزمان با اعلام خروج از برجام، دستور بازگشت تحریم‌هایی را داد که به واسطه برجام، تعلیق یا کنار گذاشته شده بودند و متعاقب آن دفتر نظارت اموال خارجی (آفک) (Office of Foreign Assets Control) در وزارت خزانه‌داری این کشور اعلام کرد که تحریم‌ها طی دو مرحله به طور کامل باز خواهند گشت. بدین ترتیب که برخی تحریم‌ها که به طور خاص مربوط به مبادلات مالی، تجارت فلزات، واردات فرش و مواد غذایی از ایران و صادرات هواپیمای مسافربری و قطعات آن می‌شود، تا ۹۰ روز پس از ۸ مه (۶ آگوست ۲۰۱۸) و سایر تحریم‌ها پس از ۱۸۰ روز از صدور دستور (۴ نوامبر) به طور کامل باز می‌گردند.

۲. گاه ممکن است دیوان به واسطه فوریت بیش از حد، بدون جلسه استماع - به مانند وضعیتی که در قضیه «لاگران» وجود داشت - در خصوص دستور موقت تصمیم بگیرد (Rylatt, 2013: 58).

۳. در جلسه استماع دیوان در خصوص درخواست ایران برای صدور دستور موقت، استدلال‌ها و دفاعیات ایران از سوی افراد ذیل در محضر دیوان ارائه شد: آقایان محسن محبی، آلن پله (Alain Pellet)، وون لو (Vaughan Lowe)، ژان-مارک تونون (Jean-Marc Thouvenin) و ساموئل ورد ورت (Samuel Wordsworth) که البته آقای «لو» به سبب بیماری امکان حضور در دادگاه را نیافت و دستیار او آقای شون اوگی (Sean Aughey) دفاعیات و استدلال‌های او را برای قضاوت دیوان قرائت کرد (نماینده رابط ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری، آقای محسن محبی و معاونان او، آقای محمدحسین زاهدین لثاف و آقای سیدحسین سادات‌میدانی بودند).

مثبت داد^۱ و حتی قاضی «چارلز براور»^۲ به عنوان قاضی اختصاصی آمریکا^۳ نیز با دستور موقت موافقت کرد.^۴ آمریکا پس از صدور دستور موقت دیوان با اتخاذ موضع قابل پیش‌بینی، اعلام کرد که از عهدنامه مودت خارج خواهد شد. البته خروج از عهدنامه مودت که در خود سند نیز پیش‌بینی شده است، تأثیری بر دعوای مطروح نخواهد داشت و اقدام به خروج، عطف‌بماسبق نخواهد شد، چراکه الزام و تعهد به اجرای دستور ناشی از خود دستور و به خصوص اساسنامه دیوان است و مستلزم اعتبار عهدنامه نیست. بنابراین، خروج آمریکا از عهدنامه تأثیری بر دعوا و احکام صادرشده در آن دعوا ندارد. به علاوه، حتی پس از خاتمه عهدنامه مودت در روابط میان طرف‌ها نیز هر یک از آنها می‌توانند دعوای‌ای را که منشأ و سبب ادعای آنها در زمان لازم‌الاجرا بودن عهدنامه ایجاد شده است، در دیوان مطرح کنند (زمانی، ۱۳۹۷).

دستور موقت دیوان صرفاً به روابط تجاری میان ایران و آمریکا و اتباع آنها محدود نمی‌شود. چراکه با اینکه دستور موقت صرفاً محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در ۸ مه ۲۰۱۸ را هدف قرار می‌دهد، این تحریم‌ها ویژگی فراسرزمینی دارند و محدودیت‌هایی را برای اتباع غیرآمریکایی با ایران و ایرانیان ایجاد می‌کند. عبارت به‌کاررفته در بند اجرایی دستور موقت نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند: «آمریکا باید کلیه موانع ... را از میان بردارد». در واقع، دیوان تمامی پیامدهای ناشی از تحریم‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد، بدون اینکه آن را به سرزمین آمریکا محدود کند و

۱. قسمت اجرایی دستور موقت (پاراگراف ۱۰۲)، سه بند دارد که دو بند، تعهداتی را برای آمریکا و یک بند، تعهداتی برای هر دو طرف اختلاف ایجاد می‌کند. براساس بند نخست، آمریکا ملزم است در اجرای تعهداتش در معاهده مودت، کلیه موانع ناشی از تدابیر اتخاذشده در ۸ مه ۲۰۱۸ در خصوص صادرات آزاد به ایران را _یا شیوه‌هایی که خود برمی‌گزیند_ در خصوص اقلام زیر از میان بردارد: دارو و لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی، قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط (از جمله بازدید و ارائه خدمات تعمیر، نگهداری و گارانتی) که برای ایمنی هواپیمایی کشوری ضروری است؛ همچنین مطابق بند دوم، آمریکا باید تضمین کند که کلیه مجوزهای ضروری صادر خواهد شد و اینکه پرداخت‌ها و انتقال وجوهی که مربوط به کالاها و خدمات مذکور در بند نخست هستند، مشمول هیچ‌گونه محدودیتی نخواهند بود. در بند سوم دستور نیز طرف‌های اختلاف از هر گونه اقدامی که ممکن است اختلاف مطروح نزد دیوان را تشدید کند یا گسترش دهد یا حل‌وفصل آن را مشکل سازد، منع شده‌اند.

2. Judge Charles Brower.

۳. در زمان ثبت شکایت ایران در دفتر دیوان، دولت آمریکا دارای یک قاضی در دیوان بود (خانم جین دوینهو (Judge Joan E. Donoghue)) که او در ابتدای پرونده بدون ذکر دلیل اعلام کرد که مایل نیست در این پرونده مشارکت داشته باشد و کناره‌گیری کرد (Statute of International Court of Justice, arts. 24(1),31).
(Rules of International Court of Justice, art. 37(1)) آمریکا «دیوید کارون» را به عنوان قاضی اختصاصی معرفی کرد، اما او پس از مدتی فوت کرد و آمریکا آقای «چارلز براور» را منصوب کرد.

۴. به عنوان یک مورد استثنایی در میان قضات آمریکایی، قاضی بورگنتال (Judge Thomas Buerenthal) در تعداد زیادی از آرای دیوان از جمله در رأی ماهیتی دیوان در قضیه «سکوه‌های نفتی» علیه کشور متبوع خود رأی داده است (Hill-Cawthorne, 2018: 1).

تنها دولت زیان دیده، اتباع و سرزمین آن را مدنظر قرار داده است. در جریان رسیدگی دیوان به درخواست ایران برای صدور دستور موقت، آمریکا با طرح ایرادهای صلاحیتی معتقد بود که امکان صدور دستور موقت مورد تقاضای ایران وجود ندارد. این دولت علاوه بر طرح استدلال‌های متعدد در خصوص فقدان شروط صدور دستور موقت، ایراد نقض حاکمیت آمریکا به واسطه صدور دستور موقت را نیز به عنوان مانعی موجود بر سر راه دیوان اعلام می‌کرد. مسئله اصلی این مقاله این است که طرف‌های اختلاف در قضیه «نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت»، با توجه به شرایط قضیه و شروط صدور دستور موقت، چه استدلال‌هایی در خصوص وجود یا فقدان این شروط بیان کردند و دیوان چه نتیجه‌گیری‌های حقوقی در مورد هر کدام از شروط ارائه داد.

ایرادهای ایالات متحده آمریکا نسبت به شروط صدور دستور موقت

مطابق ماده ۴۱(۱) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان اختیار دارد تا اگر شرایط ایجاب کند، هر نوع اقدامات تأمینی را که برای حفظ حقوق هر یک از طرف‌ها ضروری است، اتخاذ کند. عبارت «اگر شرایط ایجاب کند»^۱، بیانگر این است که دیوان باید «مورد به مورد»^۲ این شرایط را بررسی کند (Lee-Iwamoto, 2012: 238) و در صورت صلاحدید، از اختیار خود استفاده نماید (Kempen & He, 2009: 920). شروط لازم برای صدور دستور موقت نیز شامل صلاحیت «علی‌الظاهر»^۳، «باورپذیری»^۴ حقوق و ارتباط آن با دستور موقت درخواست‌شده، خطر «آسیب جبران‌ناپذیر»^۵ و شرط «فوریت»^۶ می‌شود که شرط «باورپذیری» اخیراً در رویه دیوان تثبیت شده است. در قضیه مزبور، آمریکا مدعی بود که معیارهای دیگری از جمله اثبات «ضرورت»^۷ و «اثبات سبب، اثبات نتیجه و اثبات هزینه»^۸ نیز در این خصوص وجود دارند (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem) : 52-53). ایران ضمن اشاره به رویه دیوان در قضیه قطر و امارات، با آن مخالفت کرد و پاسخ آن را داد (Verbatim Record of 29 August 2018 of the ICJ (Samuel Wordsworth), paras. 12-15) دیوان نیز این ادعای آمریکا را نپذیرفت و به آن وقعی ننهاد.

1. if it considers that circumstances so require
2. Case by Case
3. *prima facie*
4. Plausibility
5. Irreparable Prejudice
6. Urgency
7. Necessity
8. Proof of Cause, of Consequence and of Cost

۱. صلاحیت علی الظاهر

صلاحیت علی الظاهر از پیش شرط های صدور دستور موقت در دیوان محسوب می شود. منظور از صلاحیت علی الظاهر آن است که عهدنامه یا مقررات مورد استناد خواهان بتوانند مبنای صلاحیتی اجمالی را برای دیوان ایجاد کنند و ضرورتی ندارد که دیوان همان گونه که در مرحله رسیدگی ماهیتی به موضوع صلاحیت می پردازد، صلاحیت را به صورت قطعی در این مرحله احراز کند (ICJ Rep, 2017: para. 15). فرق میان صلاحیت علی الظاهر و صلاحیت اصلی این است که پذیرفته نشدن صلاحیت در مرحله ماهوی، سبب رد دعوا می شود، اما فقدان صلاحیت علی الظاهر چنین نتیجه ای را به دنبال ندارد (Fischer, 2018: 1). در واقع، به همین دلیل است که صدور دستور موقت از سوی دیوان پس از احراز صلاحیت علی الظاهر، لزوماً دلیلی بر احراز صلاحیت دیوان در رسیدگی به ماهیت دعوا قلمداد نمی شود (بذآر، ۱۳۹۷)، چراکه صلاحیت علی الظاهر، مبنای اساسنامه ای و صلاحیت اصلی دیوان، مبنای رضایی دارد و مبتنی بر رضایت طرف های اختلاف است (Quintana, 2015: 623). دیوان نیز در تأیید این موضوع تصریح می کند که تصمیم اتخاذ شده در خصوص دستور موقت تأثیری بر موضوع صلاحیت دیوان یا مسائل مربوط به قابلیت استماع دادخواست یا مرحله رسیدگی ماهیتی نخواهد داشت (ICJ Rep, 2018: para. 101)، زیرا در این مرحله از رسیدگی، از دیوان درخواست نشده که برای صدور دستور موقت، نقض عهدنامه مودت را احراز کند، بلکه باید تعیین کند که آیا وضعیت به گونه ای هست که برای حفاظت از حقوق مندرج در عهدنامه، دستور موقت صادر کند (ICJ Rep, 2018: para. 79).

آمریکا برای توجیه ایراد فقدان صلاحیت علی الظاهر دیوان برای صدور دستور موقت، مبنای استدلال های خود را بر این امر بنا می نهد که دعوی مطروح نزد دیوان به عهدنامه مودت مربوط نمی شود و برای اثبات این مدعا، دلایل متعددی را مطرح می کند. آمریکا استدلال می کند که شکایت ایران در واقع ناشی از برجام و تصمیم آمریکا به خروج از آن است و ایران با مطالبه دستور موقت، در تلاش برای بازگشتن به وضعیتی است که در نتیجه امضای برجام، از سوی آمریکا فراهم شده بود؛ کما اینکه ماهیت خواسته ایران در دادخواست و تقاضای دستور موقت نیز آشکارا نشان از این دارد که این اختلاف مربوط به برجام _ نه عهدنامه مودت _ است. آمریکا اعلام می کند که برجام سازوکار حل و فصل اختلاف مربوط به خود را دارد^۱ و ساختار و مبنای این سازوکار بر حل و فصل اختلاف ها از طرق سیاسی تأکید می کند و متضمن رضایت به صلاحیت دیوان نیست (ICJ Rep, 2018: para. 35). دیوان همگام با رویه خود (ICJ Rep, 2008: para. 112)، پاسخ ایران به این ادعا را می پذیرد و تصریح می کند این واقعیت که اختلاف میان طرف ها در خصوص تصمیم آمریکا نسبت به خروج از برجام است، این احتمال را منتفی

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام ر.ک: محبی و بذآر، ۱۳۹۶: ۲۸۶-۲۶۱.

نمی‌کند که اختلاف مطروح می‌تواند به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت مربوط شود. به نظر دیوان، اصولاً این امکان وجود دارد که برخی اعمال در حوزه چند سند حقوقی قرار بگیرند و اختلاف ناشی از آن اعمال به تفسیر و اجرای بیش از یک معاهده یا سند مربوط شود (ICJ Rep, 2018: para. 101). دیوان استدلال خود را با این گفته تقویت می‌کند که برجام، هیچ صلاحیت انحصاری برای سازوکار حل و فصل برجامی ایجاد نکرده است؛ بنابراین به عقیده دیوان، برجام و سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از آن، مانعی برای صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به ادعای نقض مفاد عهدنامه مودت نیست (ICJ Rep, 2018: para. 39). این یافته دیوان یکی از پرسش‌های همیشگی در حقوق بین‌الملل را پاسخ می‌دهد: آیا یک عمل متخلفانه بین‌المللی می‌تواند از جهات مختلف، وصف متخلفانه داشته باشد و روش‌های رسیدگی و حتی شیوه‌های جبران آن متعدد باشد؟ پاسخ دیوان به این پرسش، مثبت است. امروزه ماهیت شناور و گستردگی روابط بین‌الملل از یک طرف، وجود اسناد و معاهدات متعدد بین کشورها در زمینه‌های اموری که همپوشانی دارند از طرف دیگر، به خوبی این امکان را فراهم می‌کنند که عمل واحد دولت واجد عناوین متعدد باشد و در قلمرو صلاحیت اسناد گوناگون بین‌المللی قرار گیرد. در واقع، هم قواعد اولیه حقوق بین‌الملل (مقررات معاهدات و عرف بین‌المللی) از حیث سبب ادعا و هم قواعد ثانویه بین‌المللی (مقررات مسئولیت بین‌المللی دولت) از حیث نحوه جبران ناظر بر چنین عملی خواهد بود.

دومین ایراد آمریکا که در ادامه ایراد نخست مطرح شده، مربوط به فقدان اختلاف میان طرف‌ها در خصوص تفسیر و اجرای عهدنامه مودت به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های مراجعه به دیوان است. ایران نقض مواد ۴(۱) («رفتار عادلانه و منصفانه»)، ۷(۱) (منع محدودسازی پرداخت‌ها، مبادلات و سایر اشکال انتقال وجوه)، ۸(۱) و ۲(۲) (رعایت شرط «ملت کامله‌الوداد» برای واردات و صادرات در موضوعات خاص)، ۹(۲) (رعایت «رفتار ملی» یا رفتار ملت کامله‌الوداد نسبت به اتباع و شرکت‌ها در خصوص صادرات و واردات)، ۹(۳) (منع اقدام‌های تبعیض‌آمیز با توجه به توانایی واردکنندگان و صادرکنندگان برای حصول بیمه دریایی) و ۱۰(۱) (آزادی تجارت) عهدنامه مودت را به‌عنوان مبانی وجود اختلاف میان طرف‌ها درباره تفسیر و اجرای معاهده مزبور ذکر کرده است. آمریکا در اینجا هم معتقد بود که اختلاف میان طرف‌ها در خصوص برجام _ نه عهدنامه مودت _ است و این عهدنامه، در مورد ادعاهای ایران اساساً موضوعیت ندارد تا اختلاف راجع به تفسیر و اجرای آن مطرح باشد (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Donald Earl Childress), paras. 2, 11-18). دیوان این ایراد آمریکا را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند هنگامی که دو دولت، نظرهای صریحاً مغایری در خصوص اجرا یا عدم اجرای تعهدات بین‌المللی مشخص دارند، همین کافی است که گفته شود میان آنها «اختلاف» وجود دارد و در قضیه مطروح، طرف‌ها مخالفتی با وجود چنین اختلافی

ندارند و اختلاف نظر تنها در خصوص این موضوع است که آیا این اختلاف مربوط به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت می‌شود (ICJ Rep, 2018: paras. 28-29)؟

ایراد دیگر آمریکا درباره مسئله صلاحیت، عدم رعایت پیش شرط توسل به دیپلماسی (مذاکره) قبل از مراجعه به دیوان است که در بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت پیش‌بینی شده است. نه آمریکا در ایراد صلاحیتی مربوط به این پیش شرط و نه ایران در پاسخ به ایراد، هیچ‌گاه به روش جایگزین اشاره‌ای نکردند. آمریکا بیان می‌کند که ایران هرگز فرصت کافی را برای رایزنی در خصوص نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت به آمریکا نداد و برای حل و فصل ادعاهای خود از طریق دیپلماسی تلاش نکرده، بنابراین، پیش شرط صلاحیت دیوان محقق نشده است (ICJ Rep, 2018: para. 49). ایران پس از تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) دو نامه در تاریخ‌های ۲۱ و ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ (۱۱ و ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸) به سفارت سوئیس در تهران تسلیم کرده است. آمریکا مدعی است که ایران در نامه‌های مزبور هیچ پیشنهادی در خصوص برگزاری نشست و ملاقات (مذاکره) نکرده و از آمریکا نیز درخواست پاسخ نکرده است. فقط در نامه دوم به مسئله عهدنامه مودت اشاره شده، اما همین نامه هم سه روز پس از ثبت دادخواست ایران به دست آمریکا رسیده است (ICJ Rep, 2018: para. 49). آمریکا در شرح ایراد خود اضافه می‌کند که در زمان مذاکره برای انعقاد عهدنامه‌های مودت که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به‌طور گسترده‌ای با سایر دولت‌ها از جمله ایران امضا کرده، قصد خود را در خصوص این شرط به‌خوبی بیان کرده است و آن اینکه هر اختلاف ناشی از عهدنامه باید به‌صورت دوجانبه و از طریق شیوه‌های متداول دیپلماسی حل و فصل شود و اگر این شیوه‌ها موفقیت‌آمیز نبود، هر یک از طرف‌های عهدنامه می‌تواند به‌عنوان آخرین راه‌حل به دیوان مراجعه کند (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Donald Earl Childress)). (ICJ Rep, 2018: para. 20) به نظر آمریکا در این خصوص باید تلاش اصیل و واقعی برای حل و فصل اختلاف از طریق دیپلماسی (مذاکره) وجود داشته باشد.

واقعیت موضوع این است که شروط دوازده‌گانه‌ای که وزیر امور خارجه آمریکا (آقای پومپئو) تعیین کرده بود و پاسخ وزیر امور خارجه ایران به آن، عملاً چشم‌اندازی برای حل و فصل دیپلماتیک اختلاف بجا نگذاشته بود و دعوت به مذاکره در چنین اوضاع و احوالی، دعوت و اصرار به امر دشوار و غیرعملی بود، زیرا چشم‌انداز موفقیتی در آن وجود نداشت. دیوان به اختلاف طرف‌ها در خصوص توسل ایران به طرق دیپلماتیک ورود نکرد و با اعلام اینکه توسل به دیپلماسی، پیش شرط مراجعه به دیوان نیست، ادعای آمریکا را مردود اعلام کرد. به عقیده دیوان، عبارات پاراگراف دوم ماده ۲۱ عهدنامه مودت، به مانند مقررات مشابه در سایر معاهدات که نوعی تعهد حقوقی به مذاکره را پیش از مراجعه به دیوان پیش‌بینی می‌کنند، عبارت‌بندی نشده است. دیوان تصریح می‌کند شرط مراجعه به طرق دیپلماتیک پیش از رجوع به دیوان

خصیصه توصیفی دارد و همین که معلوم شود اختلاف مطروح به طور رضایت بخشی از طریق دیپلماسی حل و فصل نشده، برای صلاحیت دیوان کافی است و دیوان الزامی به بررسی این مسئله ندارد که آیا مذاکراتی به طور رسمی انجام گرفته یا نه، یا اینکه عدم حل و فصل دیپلماتیک اختلاف ناشی از رفتار کدام یک از طرف‌های اختلاف بوده است (ICJ Rep, 2018: para. 50). در این زمینه، دیوان به نامه‌های ارسالی از سوی ایران به سفارت سوئیس در تهران اشاره می‌کند که هیچ پاسخی را از سوی آمریکا در پی نداشته است. چنانکه پیداست دیوان در تفسیر ماده ۲۱ عهدنامه مودت (شرط مذاکره قبلی)، رویکرد شکلی را اتخاذ کرده و به قصد واقعی دولت‌ها در داشتن مذاکره واقعی توجه نمی‌کند و صرف عدم انجام مذاکره را در این خصوص کافی می‌داند.

ایراد دیگر آمریکا در خصوص فقدان صلاحیت علی‌الظاهر، مبتنی بر استثنائات عدم اعمال عهدنامه مودت و به طور مشخص شق «ب» و «ت» بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه بود. مطابق این استثنائات، تعهدات مندرج در عهدنامه مانع انجام اقدام‌های مربوط به مواد شکاف‌پذیر و فرآورده‌های رادیواکتیو ایجاد شده از آنها (شق ب)، انجام اقدام‌های ضروری برای منافع امنیت ملی و اقدام‌های ضروری برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی (شق ت) نخواهد بود. دیوان در پاسخ به این ایراد آمریکا، تصمیم خود در قضیه «سکوه‌های نفتی» را تکرار می‌کند (ICJ Rep, 1996: para. 20) که براساس آن، استثنائات موضوع ماده ۲۰ در مورد عدم اجرای عهدنامه مودت تنها می‌تواند در مرحله رسیدگی ماهیتی مورد استناد قرار بگیرد (ICJ Rep, 2018: para. 41). قاضی «ترینداد» در نظریه جداگانه خود، این نتیجه‌گیری دیوان را که در مواجهه با ادعای مربوط به منافع امنیت ملی، کماکان به‌عنوان حافظ اساسنامه خود (ماده ۴۱) اقدامات تأمینی محافظتی را مقرر می‌کند، تحسین می‌نماید و آن را در راستای مأموریت دیوان در تحقق عدالت می‌داند. به نظر او، «برابری حقوقی دولت‌ها» به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی که لزوم انجام «رسیدگی قضایی مناسب» و «برابری سلاح‌ها»^۱ از آن ناشی می‌شوند، نباید به واسطه ادعای امنیت ملی نادیده گرفته شود و این اصل کلی حقوقی که مبتنی بر نظریه عدالت است، باید اولویت داده شود؛ چراکه لزوم تحقق عدالت بر مظاهر اراده دولت‌ها برتری دارد و وجدان، برتر از اراده است (ICJ Rep, 2018: paras. 16, 25-26). دیوان در رویه دیگری درباره دستور موقت در قضیه «مسائل مربوط به توقیف و ضبط برخی اسناد و داده‌ها» نیز استدلال دولت خوانده (استرالیا) در خصوص استثنای امنیت ملی را بررسی کرده بود. اختلاف در این قضیه پس از توقیف اسناد و داده‌های دفاتر مشاور حقوقی دولت تی‌مور شرقی از سوی سازمان جاسوسی امنیتی استرالیا ایجاد شد. تی‌مور شرقی مدعی بود که اسناد و داده‌های توقیف شده مربوط به دعوای مطروح میان این دو کشور در دیوان دائمی داوری است. در مقابل،

1. Equality of Arms (*egalite des armes*).

استرالیا اعلام می‌کرد جز در موارد امنیت ملی که به اطلاع دیوان خواهد رسید، به هیچ‌وجه از اسناد و داده‌های مزبور در سایر موارد از جمله در رسیدگی دآوری یا قضایی بین‌المللی یا بهره‌برداری از منابع دریای‌تی‌مور استفاده نخواهد کرد. دیوان براساس اصل برابری حاکمیتی دولت‌ها، حق دولت‌های درگیر در رسیدگی دآوری یا قضایی بین‌المللی نسبت به برقراری ارتباط با مشاور حقوقی و حق محرمانگی و عدم ایجاد اختلال در این ارتباط را تصریح می‌کند. دیوان در دستور موقت صادره با اینکه اعلام می‌کند افشای اسناد و داده‌ها می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری به تی‌مور وارد کند، استرالیا را ملزم به تحویل آنها به تی‌مور نمی‌کند و صرفاً از این دولت می‌خواهد تا آنها را تا زمان تصمیم‌گیری نهایی دیوان به صورت مهر و موم نزد خود نگاه دارد (Rose, 2014: 231-234).

قاضی «ممتاز»_ قاضی اختصاصی دولت ایران_ در اعلامیه‌ای که به قرار دیوان ضمیمه کرده، مبنای استدلال آمریکا در مورد استثنای «منافع اساسی ملی» را از زاویه دیگری به چالش می‌کشد. قاضی ممتاز اعلام می‌کند که تحریم‌های فراسرزمینی یا تحریم‌های ثانویه_ که اغلب تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ از این جنس هستند_ نمی‌توانند به بهانه اقدام در راستای منافع امنیت ملی توجیه شوند؛ چراکه با اصل عدم مداخله مستقیم یا غیرمستقیم دولت در امور داخلی یا خارجی سایر دولت‌ها که مطابق نظر دیوان در قضیه نیکاراگوئه، مستلزم آزادی در انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ایجاد روابط خارجی است (ICJ Rep, 205). در تناقض است (ICJ Rep, 2018: paras. 16-17).

نکته دیگر در این قسمت از دستور دیوان آن است که به نظر دیوان، ماده ۲۱ عهدنامه برای طرف‌ها ایجاد حق نمی‌کند، در نتیجه آمریکا صرفاً می‌تواند به این مقرر در مقام دفاع و به‌عنوان یکی از معاذیر رافع وصف متخلفانه عمل استناد کند و نمی‌تواند با استناد به این ماده، مدعی وجود حقی برای خود شود. دیوان در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تدابیر اتخاذشده از سوی آمریکا که مورد شکایت ایران قرار گرفته، علی‌الظاهر در قلمرو عهدنامه مودت قرار می‌گیرند و اینکه یافته‌های دیوان برای اثبات اینکه یک اختلاف در خصوص تفسیر و اجرای عهدنامه مودت در این مرحله از رسیدگی میان طرف‌ها وجود دارد، کفایت می‌کند (ICJ Rep, 2018: paras. 43-45,52).

۲. باورپذیری حقوق مورد ادعا و ارتباط آن با دستور موقت تقاضا

باورپذیری، پیش شرط جدیدی در خصوص صدور دستور موقت است که با وجود مخالفت برخی از قضات دیوان از جمله قاضی «ترینداد» (ICJ Rep, 2018: paras. 72-77)، در رویه دیوان تثبیت شده است. مطابق شرط باورپذیری، دیوان باید متقاعد شود که حقوق ادعایی خواهان واقعاً وجود دارد و متعلق به آن است (Miles, 2017: 447). به عبارت دیگر، خواهان دستور باید نشان دهد که حقوق ماهوی و واقعی دارد که از مبنا و اصالت کافی برخوردار است. بنابراین، اگر

حقی وجود داشته باشد، اما به‌دلیلی (مثلاً به‌علت تصمیم شورای امنیت همان‌طور که در قضیه لاکربی اتفاق افتاد) نتواند اجرا شود، باورپذیر نیست و نمی‌توان برای حفظ آن، دستور موقت درخواست کرد.

ایران برای نشان‌دادن باورپذیری، مواد متعددی از عهدنامه مودت مواد (۱)۴، (۱)۷، (۱)۸ و (۲)۹ و (۱)۱۰ را ذکر و استدلال می‌کند که اعاده تحریم‌های آمریکا با این حقوق در تعارض است. در مقابل، آمریکا مستقیماً پاسخی نمی‌دهد، بلکه این ادعای خود را تکرار می‌کند که دعوی ایران در واقع مربوط به برجام است و کلیه حقوقی که ایران در پی اجرا آنهاست، تحت برجام نه عهدنامه مودت است. دیوان تصریح می‌کند در این مرحله از رسیدگی از دیوان خواسته نشده تا به‌طور قطع تعیین کند که آیا حقوق مورد ادعای ایران وجود دارد یا خیر، بلکه تنها لازم است تا تصمیم بگیرد که آیا حقوقی که ایران به‌دنبال حفظ آن تا زمان تصمیم‌گیری نهایی دیوان است، باورپذیر است. همچنین، میان حقوقی که حفاظت از آنها درخواست شده و اقدامات تأمینی درخواست‌شده باید ارتباطی وجود داشته باشد (ICJ Rep, 2018: para. 54). مطابق نظر دیوان، این حقوق مبتنی بر یک تفسیر ممکن از عهدنامه مودت و ادله‌ای است که اجمالاً ناشی از واقعیت‌های مرتبط با قضیه است و برخی از تدابیر پیش‌بینی‌شده در ۸ مه ۲۰۱۸، از جمله لغو مجوزهای اعطایی برای خرید محصولات از ایران، تحدید مبادلات مالی و ممنوعیت فعالیت‌های تجاری این قابلیت را دارند تا بر برخی از حقوق مورد استناد ایران تأثیر گذارند. دیوان اضافه می‌کند که اگرچه ممکن است برخی از حقوق مورد ادعای ایران در عهدنامه مودت، موضوع استثنائات مندرج در ماده ۲۰ عهدنامه مودت (اقدامات مربوط به امنیت ملی و صلح و امنیت بین‌المللی) باشد، استثنائات مزبور نباید بر حقوق دیگر ایران مثل حقوق مربوط به واردات و خرید نیازهای انسان‌دوستانه و ایمنی هواپیمایی کشوری، تأثیری بگذارد. به‌عبارت دیگر، این حقوق ایران تحت عهدنامه، مشمول استثنائات مندرج در ماده ۲۰ عهدنامه مودت نمی‌شود (ICJ Rep, 2018: paras. 67-69).

می‌توان گفت که تأکید و اقناع دیوان بر ملاحظات انسان‌دوستانه در صدور دستور موقت، نشانه اقبال و توجه دیوان به ملاحظات مربوط به انسانیت و بشریت در تفسیر معاهدات و نیز صلاحیت خود است. در واقع، دیوان رعایت تعهدات ناشی از حقوق بنیادین بشر را فارغ از رضایت دولت‌ها، الزامی می‌داند و در مقایسه و مقابله رضایی بودن نظام حقوق بین‌الملل که نظامی مبتنی بر همکاری و نه تبعیت و برابری حاکمیتی دولت‌هاست^۱ از یک سو و تعهدات دولت‌ها در زمینه ملاحظات انسانی از سوی دیگر، به تعهدات بشر‌دوستانه و انسانی دولت‌ها اهمیت و توجه بیشتری می‌دهد. با احتیاط می‌توان گفت که این رویکرد دیوان، نشان از پذیرش

1. Charter of the United Nations, art. 2(1).

وجود یک «سلسله مراتب»^۱ در میان هنجارهای حقوق بین‌الملل دارد که دیوان در رویه سابق خود نیز با استفاده از عباراتی چون «ملاحظات اساسی بشریت»^۲ یا «اصول تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل»^۳ به آن اشاره کرده بود. تأکید دیوان بر نیازهای انسان‌دوستانه ایران در عهدنامه مودت است که مبنای صدور دستور موقت قرار گرفته است؛ این در حالی است که در عهدنامه مودت هیچ اشاره‌ای به مسائل انسان‌دوستانه نشده است. آمریکا در دفاعیات خود به دیوان اطمینان داده بود که بهترین تلاش‌ها را برای تضمین این مهم انجام خواهد داد که نگرانی‌های انسان‌دوستانه و مسائل مربوط به ایمنی هواپیمایی که در نتیجه بازگشت تحریم‌ها علیه ایران ایجاد شده، از سوی وزارت خزانه‌داری و سایر مراجع تصمیم‌گیرنده مورد بررسی کامل و سریع قرار گیرد. اما، دیوان این اظهارات و تضمین‌ها را کافی ندانست و ضمن تقدیر از این اطمینان‌دهی، اعلام می‌کند که تضمین‌های مذکور برای رفع کامل نگرانی‌های خواهان در خصوص مسائل انسان‌دوستانه و سلامت و ایمنی مردم کافی نخواهد بود (ICJ Rep, 2018: para. 91). در نهایت، دیوان باورپذیری و ارتباط میان حقوق ادعایی و دستور موقت درخواست‌شده را نیز می‌پذیرد.

۳. خسارت جبران‌ناپذیر و شرط فوریت

آمریکا نمی‌پذیرد که بازگشت تحریم‌ها، موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیر برای ایران باشد. مهم‌ترین استدلال آمریکا در خصوص جبران‌پذیر بودن خسارت‌های ادعایی، ابهامی است که این دولت نسبت به مبنای ادعای ایران مطرح می‌کند. آمریکا بیان می‌کند که چگونه ایران در خصوص تحریم‌های به‌مراتب شدیدتر از تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ که از سال‌ها قبل از برجام از سوی شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و سایر دولت‌ها از جمله آمریکا علیه ایران اعمال می‌شد، هیچ‌گاه ادعای ورود خسارت جبران‌ناپذیر را مطرح نکرد، اما اکنون که تحریم‌های شدید سابق وجود ندارند و حتی اتحادیه اروپا تدابیری به‌منظور کاهش آثار تحریم‌های آمریکا بر ایران اتخاذ کرده است، این ادعا مطرح می‌شود (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), paras. 47-48,50). ایران در خصوص امنیت پرواز و مسائل انسان‌دوستانه که صدور مجوز آمریکا برای آنها ممکن است، سایر خسارت‌ها، خسارت‌های مالی و اقتصادی هستند و خسارت جبران‌ناپذیر قلمداد نمی‌شوند (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), para. 22). آمریکا در بخش دیگری از استدلال‌های خود مدعی عدم تحقق شرط کلاسیک «انتساب»

1. Hierarchy.

2. Elementary Considerations of Humanity (ICJ Rep, 1949, p. 22).

3. Intransgressible Principles of International Law (ICJ Rep, 1996, para. 79).

نیز بود و استدلال می‌کرد که خسارت‌های ادعایی ایران در واقع ناشی از سوءمدیریت دولت ایران _ نه اعمال دولت آمریکا _ است و «سبب نزدیک و بی‌واسطه»^۱ خسارت‌های ادعایی، رفتار خود خواهان (ایران) است (Verbatim Record of 30 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), para. 14).
 Bethlehem, para. 14) آمریکا ضمن تصریح به اقتصادی و مالی بودن خسارت‌های ناشی از تحریم‌ها، اعلام می‌کند که تحریم‌ها با هدف اعمال فشار بر ایران وضع شده و مشکلات اقتصادی از جمله کاهش ارزش ریال به دلیل سوءمدیریت اقتصادی دولت ایران و ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از سیاست‌های دولت ایران نسبت به مردمش است (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), paras. 35-36; ICJ Rep, 2018: para. 84-85) آمریکا در این خصوص به سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۷_ ۱۳ روز قبل از شروع جلسه استماع _ استناد می‌کرد: «اقتصاددانان و بسیاری از مقامات ایران اعتقاد دارند که مشکلات معیشتی فعلی ناشی از عوامل داخلی _ نه تحریم‌های خارجی _ است و با اینکه تحریم‌ها در وضعیت کنونی اقتصادی نقش دارند، عوامل داخلی تأثیر بیشتری در این خصوص داشته‌اند»^۲. همچنین، آمریکا تأکید می‌کرد از آنجایی که تدابیر پیش‌بینی شده در ۸ مه ۲۰۱۸، تدابیر جدیدی نیستند و بازاعمال همان تحریم‌هایی هستند که چند دهه وجود داشته‌اند، هیچ خطر واقعی و قریب‌الوقوع و هیچ خسارت جبران‌ناپذیری تا زمان تصمیم‌گیری نهایی دیوان، قابل تصور نیست تا به واسطه آن، شرط فوریت تأمین شود (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), para. 37).

به‌طور کلی، ملاک خسارت‌های جبران‌ناپذیر خسارتی است که به شیوه مالی و با پول جبران‌پذیر نباشد. به عبارت دیگر، همین که معلوم شود خسارت‌های ادعایی به‌نحوی در مرحله ماهوی و با پول جبران‌شدنی است، شرط فوریت وجود ندارد. در پرونده مورد بحث، دیوان ملاحظه دیگری را نیز مورد توجه قرار داده است و آن اینکه هرگاه صدمه و خسارت ناظر بر جان و سلامت مردم باشد، خسارت مزبور، وصف جبران‌ناپذیر خواهد داشت. این رویکرد را در رویه اخیر دیوان می‌توان مشاهده کرد (ICJ Rep, 2018; ICJ Rep, 2008). همچنین، هدف از دستور موقت علاوه بر جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر و حفظ حقوق خواهان، حفظ وضع موجود و به‌هم‌نخوردن ادله است که دیوان بتواند براساس آنها به‌طور صحیح به موضوع رسیدگی کند.
 باری، ایران به‌منظور اقناع دیوان در خصوص خطر ایجاد خسارت جبران‌ناپذیر، علاوه‌بر اشاره به مسائل اقتصادی از جمله کاهش ارزش ریال، موانع صادرات فلزات و مبادلات مالی،

1. Proximate Cause.

۲. طرف آمریکایی سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را با اندکی تغییر بازگو کرد و تأکید ایشان در خصوص تأثیر تحریم‌ها را که در ابتدای سخنان ایشان ذکر شده بود، به انتهای آن منتقل کرد. ایشان فرموده بودند: «من نمی‌گویم تحریم‌ها اثر ندارد، اما عمده مشکلات اقتصادی اخیر مربوط به عملکردهای داخلی است» (https://www.farsnews.com/news/13970522000535).

اغلب بر لطمه به حقوق بنیادین بشر به طور مشخص حق حیات و حق بر سلامتی تأکید می‌کند. به عقیده ایران، جلوگیری از بازسازی ناوگان هوایی فرسوده ایران، خرید قطعات یدکی و استفاده از خدمات فرودگاه‌های خارجی، جان خدمه و مسافران هواپیمایی ایران را به خطر می‌اندازد.^۱ همچنین، وضعیت ایجادشده در اثر بازگشت تحریم‌های آمریکا، واردات و تأمین نیازهای انسان دوستانه را به ایران غیرممکن کرده، به خصوص تهیه مواد شیمیایی برای ساخت دارو و لوازم پزشکی، دسترسی به داروهای حیاتی، درمان بیماری‌های سخت و مراقبت‌های پیشگیرانه برای مردم ایران دشوار شده است (ICJ Rep, 2018: para. 80-81). ایران همچنین، بر فوریت این نیازها تأکید می‌کند. فوریت به‌عنوان یکی از شروط صدور دستور موقت، به معنای وجود خطر واقعی و قریب‌الوقوع در خصوص خسارت جبران‌ناپذیری است که قبل از رأی نهایی دیوان ایجاد خواهد شد (ICJ Rep, 2016: para. 90; ICJ Rep, 2017: para. 50). ایران پس از برشمردن خسارت‌های جبران‌ناپذیر و به‌منظور اثبات فوریت امر تصریح می‌کند که برای دیوان غیرممکن است که بتواند تا پیش از اجرایی شدن کلیه تحریم‌ها در ۱۳ آبان ۱۳۹۷ (۴ نوامبر ۲۰۱۸)، رسیدگی ماهوی را انجام دهد و رأی نهایی خود را صادر کند (ICJ Rep, 2018: para. 82). نماینده رابط و وکیل دولت ایران نیز در ابتدای سخنان خود در محضر قضات دیوان با لحن اعتراض، به تأخیر غیرعادی ۴۲ روزه دیوان برای رسیدگی به درخواست صدور دستور موقت اشاره کرده و بر فوریت امر تأکید می‌کند (Verbatim Record of 27 August 2018 of the ICJ (Mohsen Mohebi), para. 5).

ایران در پاسخ به مسئله انتساب خسارت‌ها به آمریکا و در مورد استناد آمریکا به سخنان مقام معظم رهبری نیز بیان می‌کند که مقامات و رهبران ایران هرگز به مردم خود نمی‌گویند که تحریم‌های آمریکا، اقتصاد ما را فلج کرده است. این رویه، برخاسته از مقاومت در جامعه ایرانی و نشانه «فرهنگ مقاومت» ایران در طول قرون و اعصار است. ایران اقتصاد ضعیفی دارد، اما آمریکا نمی‌تواند ضعف اقتصاد ایران را مبنایی برای توجیه اقدام‌های خود قرار دهد. آقای «وُرد وُرت» یکی از وکلای ایران، مثال معروف «جمجمه نحیف» را به کار می‌برد و می‌گوید: «نمی‌توان گفت کشتن کسی که جمجمه نحیف و آسیب‌پذیری دارد، مسئولیتی ندارد» (Verbatim Record of 29 August 2018 of the ICJ (Samuel Wordsworth), para. 25). در مقابل، آقای «بِت لِهَم» یکی از وکلای آمریکا با انتقاد از توصیف وکیل ایران بیان می‌کند که تشبیه مناسب‌تر این است که یک دزد موتورسیکلت که در تعقیب و گریز پلیس به سبب

۱. این پرسش که آیا خسارت‌های احتمالی به جان مسافران و خدمه هواپیمایی ایران به‌واسطه تحریم‌های هواپیمایی ایران منتسب به دولت آمریکاست یا اینکه دولت ایران را باید به‌واسطه استفاده آگاهانه از این ناوگان فرسوده مسئول قلمداد کرد، مباحث مفصلی را در حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح می‌کند که در قالب این نوشتار مجال بیان نمی‌یابد.

نداشتن کلاه ایمنی، در سانحه‌ای از ناحیه سر صدمه می‌بیند، مأمور پلیس را به واسطه تحت تعقیب قرار دادنش سرزنش کند (Verbatim Record of 30 August 2018 of the ICJ). (Daniel Bethlehem), para. 14) شایان ذکر است که در اینجا دیوان وارد مسئله انتساب نشده و آن را مفروض دانسته است.

به هر حال، مطابق نظر دیوان، تصمیم ۸ مه ۲۰۱۸ آمریکا در برگرداندن تحریم‌ها، آثار و پیامدهای زیانبار مستمری بر واردات و صادرات کالا میان دو کشور و مبادلات مالی دارد و اغلب قراردادهای خرید قطعات یدکی هواپیمایی، در پی همین تحریم‌ها فسخ شده‌اند و فعالیت شرکت‌های پشتیبانی که مشغول نصب یا تعویض قطعات تولیدشده تحت مجوزهای آمریکا بودند نیز متوقف شد. دیوان خاطر نشان می‌کند که در نتیجه بازگرداندن تحریم‌ها، برخی بانک‌های خارجی از موافقت‌نامه‌های تأمین مالی خارج شده یا همکاری با بانک‌های ایرانی را معلق کرده‌اند و برخی از آنها، نقل و انتقال وجوه یا سایر خدمات مشابه را نمی‌پذیرند (ICJ Rep, 2018: paras. 88-89). همچنین، دیوان در احراز پیش شرط فوریت، اجرای قریب‌الوقوع مجموعه‌ای از تحریم‌ها در ۱۳ آبان ۱۳۹۷ (۴ نوامبر ۲۰۱۸) را مورد توجه قرار می‌دهد (ICJ Rep, 2018: para. 93) و تصریح می‌کند که نادیده گرفتن برخی حقوق ایران تحت عهدنامه مودت، از جمله حقوق مربوط به واردات و خرید نیازهای انسان‌دوستانه‌ای چون دارو و لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی، قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط (از جمله بازدید و ارائه خدمات تعمیر، نگهداری و گارانتی) که برای ایمنی هواپیمایی کشوری ضروری است، می‌تواند به نتایج جبران‌ناپذیری منجر شود. به نظر دیوان، هنگامی که جان و سلامت افراد در معرض خطر است، آسیب می‌تواند جبران‌ناپذیر قلمداد شود. به عقیده دیوان، برگرداندن تحریم‌ها و تدابیر اتخاذشده از سوی آمریکا با ایجاد خطر بالقوه برای ایمنی هواپیمایی کشوری ایران، خطر بالقوه نسبت به حیات استفاده‌کنندگان از آن را به همراه خواهد داشت. همچنین پیش‌بینی محدودیت برای واردات و خرید نیازهای انسان‌دوستانه از جمله داروهای حیاتی یا درمان بیماری‌های سخت و مراقبت‌های پیشگیرانه، آثار مخربی بر سلامت و حیات افراد ساکن در سرزمین ایران خواهد داشت (ICJ Rep, 2018: paras. 89-91). با این حال، قاضی «جمشید ممتاز» دستور موقت دیوان در خصوص جلوگیری از خسارت‌های جبران‌ناپذیر را ناکافی می‌داند و به‌طور مشخص خاطر نشان می‌کند که مفاد دستور موقت در خصوص هواپیمایی _ یعنی رفع تحریم‌ها نسبت به قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط (از جمله بازدید و ارائه خدمات تعمیر، نگهداری و گارانتی) _ ایمنی هواپیمایی کشوری را تضمین نمی‌کند؛ چراکه همان‌طور که دیوان در بند ۸۱ دستور موقت بیان کرده، ناوگان هوایی ایران از فرسوده‌ترین ناوگان‌هاست، بنابراین دستور موقت دیوان باید قراردادهای خرید هواپیما و سفارش‌های ایران را نیز مورد توجه قرار می‌داد (ICJ Rep, 2018: paras. 1-2). او اضافه می‌کند

که با توجه به ویژگی فراسرزمینی تحریم‌های آمریکا، دیوان باید در خصوص جلوگیری و ممانعت آمریکا از روابط تجاری شرکت‌ها و اتباع خارجی با ایران_به‌خصوص برای خرید هواپیماهای جدید_ نیز دستور لازم را صادر می‌کند (ICJ Rep, 2018: para. 3).

به هر حال، تصمیم دیوان درباره خسارت‌های جبران‌ناپذیر، نه تنها معیار کلاسیک را تکرار کرده (خسارت‌هایی که با پول و به شیوه مالی جبران‌شدنی نیست)، بلکه بر ملاحظات انسان‌دوستانه تأکید بیشتری نهاده است. با این همه به خسارت‌های ناشی از تحریم‌های فراسرزمینی اشاره‌ای نکرده است. روی‌هم‌رفته در مقایسه الزامات امنیت ملی و ملاحظات انسان‌دوستانه و تعهدات معاهداتی آمریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری به جای تفسیر شکلی از مفاد ماده ۲۰(۱)، رویکرد تفسیری هدفمند را با استعانت از ماده ۳۱(۳)(ج) عهدنامه وین حقوق معاهدات اتخاذ کرده و بر ملاحظات انسان‌دوستانه تحت حقوق بین‌الملل انگشت تأکید نهاده است.

ایراد نقض حاکمیت آمریکا و ادعای الزام آور نبودن دستور موقت

آمریکا علاوه بر ایرادهای متعدد در زمینه شروط صدور دستور موقت، نقض حاکمیت خود را نیز به‌عنوان یکی از موانع صدور دستور موقت از سوی دیوان اعلام می‌کند. آمریکا استدلال می‌کند که اگر دیوان، درخواست ایران از جمله در مورد فروش هواپیما یا قطعات یدکی و تجهیزات آن را بپذیرد و دستور موقت صادر کند، حق حاکمیتی این کشور را در خصوص نظام‌مند کردن صادرات مواد و کالاهایی که قابلیت استفاده در امور ممنوعه را دارند، نادیده گرفته است و این امر سبب خواهد شد که به حق حاکمیت آمریکا در خصوص سیاست‌های تحریمی آن علیه ایران، خسارت جبران‌ناپذیری وارد شود. به‌نظر آمریکا حتی برجام نیز صدور مجوز بدون بررسی «مورد به مورد»^۱ را نپذیرفته است. به عقیده آمریکا هر گونه دستور موقتی که مانعی در مسیر تحریم ایران از سوی آمریکا باشد، حق حاکمیت این کشور برای اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور حفاظت از منافع امنیت ملی آن را نادیده خواهد گرفت (Verbatim Record of 28 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), paras. 70-71).^۲ تصریح می‌کند که صدور دستور موقت در پاسخ به نیازهای انسان‌دوستانه، هیچ آسیب جبران‌ناپذیری به حقوق مورد ادعای آمریکا وارد نخواهد کرد (ICJ Rep, 2018: para. 94).

آمریکا به‌عنوان آخرین حربه سعی داشت تا با القای غیرالزام‌آور بودن دستور موقت احتمالی دیوان از زیر بار تعهدات ناشی از آن شانه خالی کند. آمریکا برای تقویت این استدلال در دور آخر دفاعیات خود به سخنان معاون وزیر امور خارجه ایران (عباس عراقچی) استناد می‌کرد. عراقچی در حین برگزاری جلسات استماع دیوان (یک روز قبل از پایان جلسات) در مصاحبه‌ای

1. Case-by-Case

گفته بود که ما برای کسب حکم قطعی علیه آمریکا و وادار کردن این دولت به اجرای آن، به دیوان مراجعه نکردیم^۱، بلکه ما در پی اثبات حقانیت جمهوری اسلامی به جامعه بین‌المللی هستیم و این فرایند می‌تواند به اعمال فشارهای سیاسی و روانی علیه آمریکا بینجامد (Verbatim Record of 30 August 2018 of the ICJ (Daniel Bethlehem), para. 17). دیوان به اظهارات آمریکا اعتنا نکرد و در پاسخ به این ایراد که اعتبار و تمامیت آن را نشانه رفته بود، ضمن یادآوری رأی خود در قضیه «لاگرانده» تأکید می‌کند که قرارهای صادره تحت ماده ۴۱ اساسنامه دارای ویژگی الزام‌آوردند و تعهدات حقوقی بین‌المللی ایجاد می‌کنند^۲ (ICJ Rep., 2018: para. 100).

با توجه به اینکه آمریکا دستور دیوان را اجرا نکرده، این تصریح دیوان، این امکان را برای ایران فراهم خواهد ساخت تا بتواند خسارت ناشی از عدم اجرای احتمالی دستور موقت را در رسیدگی ماهیتی از دیوان مطالبه کند. همچنین نقض بند ۱ ماده ۹۴ منشور ملل متحد و ماده ۵۹ اساسنامه دیوان نیز می‌تواند به‌عنوان مبانی ایجاد مسئولیت بین‌المللی آمریکا در قبال عدم اجرای دستور موقت مطرح شوند. در مورد اجرای دستور موقت نیز باید گفت با اینکه در بندهای اجرایی دستور موقت از واژگان با قدرت الزام‌آوری بالا همچون «Shall» استفاده می‌شود و در متن دستور نیز بر الزام‌آوری آن تأکید می‌گردد، دیوان با کاربرد عبارت «با شیوه‌هایی که خود برمی‌گزیند»^۳ در بند اجرایی دستور، آمریکا را در انتخاب روش‌ها و طرقی

۱. آقای عراقچی یک روز پس از ختم جلسات رسیدگی، به اظهارنظر آمریکایی‌ها این‌گونه واکنش نشان داد: طرف آمریکایی به‌جای پاسخ به انبوه ادله و استدلال‌های منطقی و حقوقی وکلای ایرانی به ارائه توجیهات غیرفنی و غیرمرتبط با پرونده مبادرت کرد و با تقطیع صحبت‌های مقامات ارشد کشورمان و اینجانب و نیز ارائه ترجمه‌ها و تفسیرهای نادرست، سعی کرد از پاسخگویی فرار کرده و دادگاه را به انحراف بکشد. اینجانب در مصاحبه خود تصریح کرده بودم که اگرچه رأی دیوان به لحاظ حقوق بین‌الملل الزام‌آور است، اما ظرفیت‌های نظام بین‌الملل برای وادار کردن آمریکا به اجرای رأی دیوان بسیار محدود است. نکته آن است که ما با علم به اینکه اگر دیوان رأی عادلانه دهد و تضییع حقوق ایران را تصدیق کند، آمریکا بنا به سابقه بد خود احتمالاً به رأی دیوان گردن نخواهد نهاد، باز تصمیم گرفتیم دعوی خود را در دیوان مطرح نماییم تا حقانیت ایران بر همگان روشن شود (<http://www.ima.ir/fa/News/83017981>).

۲. پذیرش ایجاد تعهدات حقوقی بین‌المللی از دستور موقت دیوان منجر به این نتیجه می‌شود که نقض دستور موقت سبب ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت ناقض دستور می‌شود که این امر می‌تواند مشکلاتی را در عمل ایجاد کند. برای مثال، ممکن است دیوان پس از صدور دستور موقت و در جریان رسیدگی ماهوی صلاحیت خود را احراز نکند که در این صورت این پرسش مطرح می‌شود که اگر در این شرایط، دستور موقت نقض شده باشد با توجه به عدم صلاحیت دیوان آیا آن می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض دستور منجر شود (Aceves, 2002: 217).

3. by means of its choosing

که خواسته دیوان را تأمین می‌کند، آزاد گذارده است. با اینکه بند ۱ ماده ۹۴ منشور کلیه «تصمیم‌ها»_ اعم از حکم یا قرار_ دیوان بین‌المللی دادگستری را برای دولت‌های عضو سازمان که به‌عنوان طرف اختلاف در دیوان حاضرند، لازم‌الاجرا قلمداد کرده است، بند ۲ این ماده تنها نسبت به نقض «احکام» دیوان، امکان مراجعه محکوم‌له به شورای امنیت را پیش‌بینی کرده است. با این حال، عدم اجرای دستور موقت از سوی آمریکا آثاری را در ماهیت دعوا در پی دارد. از این رو ایران می‌تواند در مرحله رسیدگی ماهیتی، عدم اجرای دستور را به‌عنوان مبنایی برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی آمریکا و خسارت‌های ناشی از آن مطرح کند، زیرا عدم اجرای دستور دیوان به‌منزله نقض تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۹۴ منشور و ماده ۵۹ اساسنامه دیوان است. تعهدات ناشی از دستور موقت دیوان، تعهدات حقوقی ناشی از منشور قلمداد می‌شوند و با توجه به تصریح دیوان به این که دستور موقت، تعهدات حقوقی بین‌المللی برای مخاطب آن ایجاد می‌کند، نقض آن می‌تواند بعنوان مبنایی برای مسئولیت ناقض آن در مرحله رسیدگی ماهیتی مورد استناد قرار گیرد. امکان مراجعه به شورای امنیت ملل متحد براساس بند ۲ ماده ۹۴ به‌منظور اجرای دستور موقت نیز مسئله‌ای مورد اختلاف است. اما رویه شورای امنیت_ همان‌طور که در خصوص دستور موقت صادره در قضیه بوسنی هرزگوین علیه صربستان در پیش گرفته شد_ این است که هرچند بعد از مراجعه یک دولت، شورا بحث دستور موقت را در دستور کار خود قرار داده، اما تا به حال براساس ماده ۹۴ (۲) توصیه ننموده یا تصمیم به اقداماتی نگرفته است (نجفی اسفاد و هادی، ۱۳۸۴: ۳۹).

نتیجه‌گیری

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای صدور دستور موقت در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان مقرر شده و تا به حال بارها از دیوان درخواست شده و دیوان هم دستور را صادر کرده است. هدف از دستور موقت هم جلوگیری از ورود خسارت‌های جبران‌ناپذیر است و هم جلوگیری از وخیم‌تر شدن وضع، تا حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف به مخاطره نیفتد. یکی از دلایلی که دیوان پس از صدور دستور موقت، آن را به شورای امنیت گزارش می‌کند، همین است؛ مشارکت در حفظ نظم و صلح موجود. دستور موقت صادره در قضیه «نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت»_ چهره دیگری از دستور موقت را نشان داد. دعوای ایران در این قضیه، دعوای حقوق بشری نیست، بلکه برخی جنبه‌های انسان‌دوستانه دارد که این جنبه‌ها در دستور موقت یازدهم مهر ۱۳۹۷ (۳ اکتبر ۲۰۱۸) برجسته شده است. در این دستور، دیوان ملاک عینی و ملموس در مورد «خسارت جبران‌ناپذیر» به‌دست می‌دهد و می‌گوید در مواردی که افراد در معرض خطر نسبت به جان یا سلامتشان هستند، مصداق خسارت جبران‌ناپذیر خواهد بود.

دیوان علاوه بر احراز شروط لازم برای صدور دستور موقت، ادعای آمریکا در خصوص نقض حاکمیت آمریکا به واسطه صدور دستور را رد می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شروط لازم برای صدور دستور موقت وجود دارند. در خصوص صلاحیت علی‌الظاهر به‌عنوان شرط نخست، دیوان توسل به مذاکره - مندرج در ماده ۲۱(۲) عهدنامه مودت - را پیش شرط مراجعه به دیوان قلمداد نکرد و استثنائات عدم اعمال عهدنامه (ماده ۲۰ عهدنامه) را نیز تنها در مرحله رسیدگی ماهیتی قابل استناد دانست. همچنین دیوان با این استدلال که اختلاف ناشی از برخی از اعمال ممکن است همزمان به چند معاهده یا سند مربوط شود، ادعای آمریکا در خصوص مرتبط بودن اختلاف به برجام - نه عهدنامه مودت - را رد کرد. در خصوص شرط باورپذیری حقوق و ارتباط آن با اقدامات تأمینی درخواست‌شده، دیوان پس از بررسی مواد متعدد عهدنامه مودت اعلام کرد که تحریم‌های آمریکا این قابلیت را دارند تا به برخی از حقوق ایران ذیل عهدنامه مودت لطمه وارد آورند. چهره حقوق بشری دیوان در پرداختن به شرط فوریت و لزوم جبران ناپذیر بودن خسارت‌ها به‌نحو آشکاری رخ می‌نماید. دیوان اعلام می‌کند که نادیده گرفتن برخی حقوق ایران تحت عهدنامه مودت از جمله حقوق مربوط به واردات و خرید نیازهای بشردوستانه‌ای چون لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی، قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات ضروری برای امنیت هواپیمایی کشوری ممکن است به نتایج جبران‌ناپذیری منجر شود و هنگامی که افراد در معرض خطر نسبت به جان یا سلامتشان هستند، خسارت، جبران‌ناپذیر خواهد بود.

تصمیم دیوان در این قضیه، نشان‌دهنده رویکرد دیوان در تفسیر مضیق عهدنامه مبنای صلاحیت است، زیرا دیوان به ایرادها و ملاحظات آمریکا درباره تفسیر ماده ۲۱ عهدنامه مودت در زمینه صلاحیت توجهی نکرد و خود را محدود و مقید به عبارات و متن ماده ۲۱ دانست. به علاوه، اگرچه تبعیت از رویه قضایی در دیوان وجود ندارد، دیوان به تصمیمات و یافته‌های قبلی خود به‌ویژه در زمینه مسائل شکلی و صلاحیتی پایبند است. کما اینکه در خصوص ایراد صلاحیتی آمریکا براساس ماده ۲۰(۱) عهدنامه مودت (استثنای مربوط به منافع اساسی ملی) همچنان به یافته خود در قضیه «سکوه‌های نفتی» وفادار ماند و ایراد آمریکا را رد کرد. در مورد مسائل شکلی و آیین مربوط به صدور دستور موقت و به‌خصوص شروط صدور دستور، اگرچه دیوان به همان رویه سنتی عمل کرد، یک بار دیگر بر شرط باورپذیری تأکید ورزید و آن را در شمار شروط دستور موقت دانست. دیوان به نقش خود در اجرای عدالت در کنار کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی واقف است. یافته‌های دیوان در این دستور با مفاد گزارش شورای حقوق بشر در مورد اقدام‌های اجباری که دو هفته قبل از جلسه استماع دیوان در ۲۰ اوت ۲۰۱۸ منتشر شد و بخشی از آن در خصوص آثار تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر ضد ایران بود، همسو و همراستا است. این رویکرد دیوان به‌عنوان رکن قضایی ملل متحد درباره چند دستور

موقت که اخیراً صادر کرده (قضیه قطر-امارات، قضیه گرجستان-روسیه و قضیه اوکراین-روسیه) نشان‌دهنده تأثیر متقابل ارکان ملل متحد در قضایایی است که مضمون انسانیت و بشریت در آنها مشترک است. توجه و اهتمام دیوان به این مباحث و اتخاذ رویکرد هدفمند در تفسیر که با نظریه مشورتی دیوان در قضیه «دیوار حائل» شروع شده بود، نشانه شروع دوران جدیدی در تاریخ دیوان به‌شمار می‌رود.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. محبی، محسن؛ بذآر، وحید (۱۳۹۶). «سازوکار حل‌وفصل اختلاف ناشی از برجام و تعیین تکلیف تحریم‌های هسته‌ای ایران در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۹، ش ۴، ص ۲۸۶-۲۶۱.
۲. نجفی اسفاد، مرتضی؛ هادی، مهدی (۱۳۸۴). «ضمانت اجرایی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، نامه حقوقی، ج ۱، ش ۲، ص ۴۸-۲۵.

ب) نشست‌های علمی

۳. بذآر، وحید (۱۳۹۷). نشست علمی بررسی دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، مؤسسه آموزش عالی چتر دانش، ۲۱ مهر ۱۳۹۷.
۴. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۷). نشست علمی بررسی ابعاد حقوقی قرار موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده ایران علیه ایالات متحده آمریکا، دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۲ مهر ۱۳۹۷.

۲. انگلیسی

A) Books

5. Miles, Cameron A. (2017). *Provisional Measures before International Courts and Tribunals*, Cambridge University Press.
6. Quintana, Juan Jose. (2015). *Litigation at the International Court of Justice: Practice and Procedure*, Brill Nijhoff.
7. Wellens, Karel. (2016). *Negotiations in the Case Law of the International Court of Justice: A Functional Analysis*, Routledge.

B) Articles

8. Aceves, William J. (2002). "LaGrand (Germany v. United States)," *The American Journal of International Law*, Vol. 96(1), pp. 210-218.
9. Fischer, Paula (2018). "The Iranian Suit against the US Sanctions and the 1955 Treaty of Amity: Brilliant Plan or Aberration?," *www.ejiltalk.org*.
10. Hill-Cawthorne, Lawrence (2018). "The ICJ's Provisional Measures Order in Alleged Violations of the 1955 Treaty (Iran v United States)," *www.ejiltalk.org*.
11. Lee-Iwamoto, Yoshiyuki (2012). "The Repercussions of the LaGrand Judgment: Recent ICJ Jurisprudence of Provisional Measures," *Japanese Yearbook of International Law*, Vol. 55, pp. 237-262.
12. Kempen, Bernhard and He, Zan (2009). "The Practice of the International Court of Justice on Provisional Measures: The Recent Development," *Zeitschrift fur auslndisches offentliches Recht und Volkerrecht*, Vol. 69(3), pp. 919-929.
13. Rose, Cecily. (2014). "The Protection of Communications between States and Their Counsel in International Dispute Settlement," *Cambridge Law Journal*, Vol. 73(2), pp. 231-273.
14. Rylatt, Jake W. (2013). "Provisional Measures and the Authority of the International Court of Justice: Sovereignty vs. Efficiency," *Leeds Journal of Law & Criminology*, Vol. 1, No. 1, pp. 45-68.

C) Cases

15. Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, I.C.J. Reports 2018.
16. Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Georgia v. Russian Federation), Provisional Measures, I.C.J. Reports 2008.
17. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Provisional Measures, I.C.J. Reports 2016.
18. Jadhav Case (India v. Pakistan), Provisional Measures, I.C.J. Reports 2017.
19. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), I.C.J. Reports 1986.
20. Oil Platform Case (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2003.